روزنه

ادامه حمایت «اعتماد ملی» از روحانی

● **خبرآنلاین:** حجت‌الاسلام رسول منتجب‌نیا، قائم‌مقام حزب اعتماد ملی، در واکنش به انتشار خبری به نقل از وی مبنی‌بر حمایت‌نکردن این حزب از حسن روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری پیش‌رو گفت: حزب اعتماد ملی بلافاصله این خبر جعلی را تکذیب کرد و اعلام شد که چنین مصاحبه‌ای نبوده و مشخص نیست منشأ این خبر کجاست. ما دفتر حقوقی حزب اعتماد ملی را مأمور کرده‌ایم پیگیری کند و ببیند منشأ این خبر جعلی کجاست تا بتوانیم پیگیری‌های قضائی را انجام دهیم، حزب اعتماد ملی علیه منبع این خبر به دستگاه قضائی شکایت خواهد کرد؛ چراکه ممکن است این خبرهای جعلی در آستانه انتخابات افزایش یابند تا به اضطراب، نگرانی و اختلاف دامن بزنند. قائم‌مقام حزب اعتماد ملی با بیان اینکه روابط‌عمومی حزب بلافاصله اعلام کرد که این حزب از آقای دکتر روحانی حمایت کرده و حمایت خواهد کرد، اظهار کرد: باید با پیگیری قضائی مشخص شود که منبع خبر چه کسی یا کدام رسانه بوده است.

گزارش

اعتراف به دست‌داشتن فرانسه در خرابکاری سایبری علیه ایران

● برنارد باربیه، مسئول عالی‌رتبه پیشین دستگاه اطلاعات و امنیت فرانسه، در اعترافاتی بی‌سابقه آمریکا را مسئول اصلی حملات الکترونیکی علیه کاخ الیزه در سال ۲۰۱۲ دانست؛ او همچنین فاش کرد فرانسه عملیات نفوذ الکترونیکی را علیه سازمان‌های ایرانی که با برنامه اتمی ایران ارتباط داشتند، در سال ۲۰۰۹ اجرا کرده است. برنارد باربیه که در سال ۱۹۸۹ اولین تیم هک را در سازمان اطلاعات خارجی فرانسه هدایت می‌کرد، فاش کرده سازمان‌های فرانسوی از سال ۱۹۹۲ فعالیت جاسوسی و ضد جاسوسی الکترونیکی و عملیات مخفیانه «هَک» را آغاز کرده‌اند. در ادامه او اشاره می‌کند در سال ۲۰۰۹ سرویس‌های فرانسوی عملیاتی را اجرا کردند که بعدها از سوی کانادایی‌ها رصد شد. او می‌گوید: «در آن زمان هدف اصلی، سازمان‌های ایرانی بودند که با برنامه اتمی ارتباط داشتند؛ اما چند کشور دیگر از جمله کانادا هم از سوی فرانسه هدف گرفته شدند». این افشاگری‌های برنارد باربیه مربوط به ماه ژوئن گذشته در نشستی با دانشجویان مدرسه عالی برق و الکترونیک است که تا امروز، به دلایل سیاسی و امنیتی، سربه‌مُهر مانده بود و در نهایت شنبه سوم سپتامبر -۱۱ شهریور- روزنامه لوموند آن را فاش کرد. براساس گزارش روزنامه لوموند که به ویدئوی سخنرانی برنارد باربیه دست یافته است، این مدیر پیشین اطلاعاتی در ارتباط با واقعه می ۲۰۱۲ توضیح می‌دهد مسئول بخش امنیت الکترونیکی کاخ ریاست‌جمهوری (الیزه) با او تماس می‌گیرد و از او کمک می‌خواهد. در آن زمان، نیکلا سارکوزی آخرین روزهای ریاست‌جمهوری خود را می‌گذراند و فرانسوا اولاند هنوز به قدرت نرسیده بود. مسئول امنیتی الیزه به برنارد باربیه می‌گوید به رایانه‌های برخی همکاران نزدیک رئیس‌جمهور دستبرد الکترونیکی زده شده است. باربیه می‌افزاید: متوجه وجود بدافزاری شدیم که در سال ۲۰۱۰ مشابهش را در ادارات اتحادیه اروپا کشف کرده بودیم، قبلا مطمئن شده بودیم جاسوسی در اتحادیه اروپا، یا کار آمریکایی‌هاست یا روس‌ها...؛ اما در سال ۲۰۱۲ با توجه به امکانات فنی بیشتری که در دست داشتیم، من به این نتیجه رسیدم که جاسوسی از الیزه فقط زیر سر آمریکاست. برنارد باربیه می‌گوید بدافزار یادشده از طریق فیس‌بوک، کامپیوترهای الیزه را آلوده کرده بود. او می‌افزاید که فرانسوا اولاند، بعد از ورود به کاخ الیزه به او دستور داد به آمریکا برود و رسما به «آژانس امنیت ملی آمریکا» اعتراض کند. باربیه می‌افزاید: « ۱۲ آوریل ۲۰۱۳، یکی از لحظات مهم زندگی حرفه‌ای من بود، بعد از گفت‌وگو با کیت الکساندر (مدیر آژانس امنیت ملی آمریکا)، او به نظر بسیار ناراضی می‌آمد. بالاخره وقتی به اتفاق، سوار اتوبوس شدیم، به من گفت از اینکه «دست‌شان رو شده» و جاسوسی‌شان لو رفته، بسیار دلسرد شده است». به گفته باربیه، الکساندر اعتراف کرد کار سرویس‌های فرانسوی بسیار خوب بوده است. باربیه کار خود را در ابتدا با ریاست در کمیسیون انرژی اتمی (CEA) و سپس سازمان اطلاعات سیاست خارجی (DGSE) آغاز کرد. از جمله مسئولیت‌های او استقرار یک «ابرایانه» در تجهیزات لازم برای محاسبات شبیه‌سازی برنامه سلاح‌های هسته‌ای فرانسه است. در سال ۱۹۹۶ ریاست لابراتوار الکترونیک و فناوری اطلاعات (LETI)، یکی از مهم‌ترین مراکز میکروالکترونیک و فناوری نانوتکنولوژیک را برعهده گرفت. در سال ۲۰۰۶ برنارد باربیه ریاست بخش فنی اداره کل سیاست خارجی را بر عهده می‌گیرد؛ در این سمت او پیشرفته‌ترین برنامه‌های تکنولوژی برای مقاصد امنیت ملی فرانسه را تنظیم می‌کند. در این مقام، او مسئولیت مدیریت تکنیک سازمان اطلاعات وزارت خارجه را ششش سال از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ بر عهده داشته است. از سال ۲۰۱۴ به‌عنوان مشاور در بخش‌های امنیت سایبری و امنیت دفاعی با مدیریت گروه «sogeti» همکاری می‌کند.

تهران و لندن سفیر تبادل کردند

شرق: حدود پنج سال پس از حمله به سفارت انگلیس در ایران، روز گذشته دو طرف سفیران خود را برای استقرار در پایتخت‌های طرف مقابل معرفی کردند؛ «حمید بعیدی‌نژاد»، مدیر کل امور سیاسی وزارت خارجه، به‌عنوان سفیر راهی «لندن» شد؛ اما «نیکلاس هاپتون»، سفیر انگلیس در ایران، برای رسیدن به محل مأموریت نیازی به سفر نداشت، چراکه او از دی‌ماه سال گذشته به‌عنوان کاردار این کشور در تهران حضور دارد. پس از اعلام این انتصابات از سوی دو طرف، «بعیدی‌نژاد» و «هاپتون» عصر روز گذشته به‌طور هم‌زمان در لندن و تهران، رونوشت استوارنامه‌های خود را به وزیر خارجه طرف مقابل تقدیم کردند. یک مقام آگاه در وزارت امور خارجه ایران در همین زمینه به «ایرنا» گفت: «بیش از یک سال است که سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران و بریتانیا فعال بوده‌اند و همه امور جاری از سوی کاردارهای دو کشور هدایت شده است. اکنون در پی محقق‌شدن شرایط برای ارتقای روابط، دو کشور تصمیم گرفتند سفیران خود را در تهران و لندن مستقر کنند». او درعین‌حال تأکید کرد ارتقای روابط به‌معنای حل‌وفصل مسائل فی‌مابین نیست و جمهوری اسلامی ایران مانند گذشته دیدگاه‌های خود را به‌صورت دوجانبه و غیر آن، به‌صراحت اعلام خواهد کرد. آخرین سفیر ایران در انگلیس، «رسول موحدیان‌عطار» بود که در سال ۸۹ و پس از پایان مأموریت او در لندن، تهران اقدامی برای معرفی سفیر انجام نداد و فقط به اعزام کاردار بسنده کرد. این روند تا کاهش سطح روابط به نازل‌ترین سطح در آذر ۹۰ ادامه داشت؛ با این حساب، بعیدی‌نژاد نخستین سفیر ایران پس از حدود شش سال است.

عکس: ایرنا

واکنش ۲ سفیر

حمید بعیدی‌نژاد در صفحه اینستاگرام خود با انتشار عکسی از دیدارش با «بوریس جانسون»، وزیر خارجه انگلیس، نوشت: «امیدوارم با عنایت الهی و دعای خیر شما خوبان بتوانم در خدمت به اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران و خدمت‌رسانی به مردم عزیز کشورمان موفق گردم». «نیکلاس هاپتون»، سفیر انگلیس در تهران نیز در حساب کاربری توییتر خود از انتصابش به سفارت در تهران ابراز خرسندی کرد و نوشت: «برای همکاری بین کشورهای‌مان مشتاقم».

بیانیه وزیر خارجه انگلیس

«بوریس جانسون»، وزیر خارجه انگلستان نیز از ارتقای روابط این کشور با ایران استقبال کرد. به گزارش «فارس» او در بیانیه‌ای که به مناسبت تبادل سفیر با تهران صادر کرده، این مسئله را «لحظه‌ای مهم در روابط» انگلستان و ایران توصیف کرده است. جانسون افزود: «ارتقای روابط دیپلماتیک این فرصت را در اختیار ما قرار می‌دهد که بحث‌های‌مان را درباره طیفی از موضوعات از جمله موارد کنسولی که من عمیقا درباره آنها نگرانم و پیش از این هم با وزیر خارجه محمدجواد ظریف، در میان گذاشته‌ام، توسعه دهیم». وزیر خارجه انگلستان دراین‌باره گفت: «امیدوارم این آغازگر همکاری سازنده‌تری میان کشورهای‌مان بوده و این امکان را به ما بدهد که درباره موضوعاتی مانند حقوق بشر، نقش ایران در منطقه و همچنین ادامه اجرای توافق هسته‌ای و توسعه روابط تجاری میان دو کشور به نحوی مستقیم‌تر بحث کنیم».

هماهنگی با سطوح عالی برای افزایش رابطه با انگلیس

درهمین‌حال یک مقام مسئول در وزارت خارجه به «ایسنا» گفت: «در داخل کشور در سطوح عالی برای ارتقای روابط با انگلیس در سطح سفیر هماهنگی‌های لازم انجام شده بود». این مقام مسئول در وزارت خارجه با اشاره به دیدار سفیران جدید ایران و انگلیس در تهران و لندن با وزیران خارجه دو کشور، گفت: «بین مقامات ایران و انگلیس هماهنگی‌های لازم انجام شده بود که دو کشور این خبر را به‌صورت هم‌زمان و بعد از ملاقات‌هایی که انجام می‌شود، اعلام می‌کنند».

او همچنین در پاسخ به این سؤال که آیا این اقدام نیازمند مصوبه مجلس بوده است یا نه، گفت: «این موضوع بر عهده وزارت خارجه گذاشته شده بود و نیازی به این امر نبوده است و پروسه‌های لازم در داخل کشور برای این موضوع طی شده بود».

از نازل‌ترین سطح رابطه تا تبادل سفیر

هشتم آذر ۱۳۹۰ بود که عده‌ای معترض مقابل سفارتخانه انگلیس در تهران تجمع کردند و با ورود به سفارتخانه و باغ قلهک، به اموال و ساختمان‌ها خسارت زدند. همان شب، دولت انگلیس به دیپلمات‌های ایرانی ۴۸ ساعت مهلت داد تا خاک این کشور را ترک کنند. همچنین ساعاتی پس از حمله به سفارت، «ویلیام هیگ» وزیر خارجه وقت انگلیس، در پارلمان این کشور حاضر شد و دستور تعطیلی سفارت انگلیس در ایران را صادر کرد. با تعطیلی دو سفارت و تنزل رابطه به سطح پیش از قطع کامل، سفارت عمان در لندن و سفارت سوئد در تهران به‌ترتیب به‌عنوان حافظان منافع انگلیس و ایران معرفی شدند. پس از انتخابات ۱۳۹۲ و انتخاب حسن روحانی، رئیس‌جمهوری و «محمدجواد ظریف»، وزیر خارجه، در اولین سفرشان به نیویورک برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل، با «ویلیام هیگ»، وزیر خارجه وقت انگلیس، دیدار کردند. پس از آن دیدارهای دوجانبه معاونان وزیران طرفین در حاشیه مذاکرات هسته‌ای ادامه داشت که کمک زیادی هم به کاهش تنش و بهبود روابط کرد. آبان‌ماه ۱۳۹۲ دو طرف رسما به وضعیت «حفاظت منافع» پایان دادند و قرار شد به‌جای کشور ثالث، از طریق کاردارهای «غیرمقیم» خود روابط دوجانبه را دنبال کنند. «حسن حبیب‌الله‌زاده» از سوی ایران و «آجی شارما» از سوی انگلیس به طرف‌های مقابل معرفی شدند. پس از آن بود که سفر دیپلمات‌های انگلیسی در چارچوب «هیأت پارلمانی» انجام شد. درعین‌حال سفارت انگلیس در تهران تا شهریورماه سال گذشته تعطیل بود تا اینکه پس از توافق هسته‌ای، «فیلیپ هاموند»، وزیر خارجه وقت انگلیس، در سفری به تهران، سفارت این کشور را بازگشایی کرد. این بازگشایی با اعتراض تعداد کمی از افراد و گروه‌ها مقابل سفارت انگلیس در تهران همراه بود؛ اعتراضاتی که دیگر مانند آذر ۹۰ به بالارفتن از دیوار سفارت منجر نشد. دی‌ماه سال گذشته، پس از جابه‌جایی «شارما»، «نیکلاس هاپتون» فعالیت خود را به‌عنوان کاردار انگلیس در تهران آغاز کرده بود.

بعیدی‌نژاد کیست

حمید بعیدی‌نژاد که پیش از این مدیرکل سیاسی وزارت خارجه و سرپرست هیأت کارشناسی ایران در مذاکرات هسته‌ای بود، در سال ۱۳۴۱ در تهران متولد شد. نخستین پست او در وزارت خارجه، کارشناس خلع‌سلاح بود و در سال ۱۹۹۰ در برنامه خلع سلاح سازمان ملل متحد شرکت کرد. او به‌عنوان دبیر اول نمایندگی ایران از سال ۱۹۹۲ تا سال ۱۹۹۶ در نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل متحد در ژنو و معاون نماینده ایران در کنفرانس خلع سلاح (CD) منصوب شد. بعیدی‌نژاد فعالیتش را در وزارت خارجه به‌عنوان رئیس اداره امور خلع سلاح ادامه داد و از سال ۱۹۹۹ تا سال ۲۰۰۲ به‌عنوان رایزن خلع سلاح در هیأت نمایندگی ایران در مقر سازمان ملل در نیویورک منصوب و فعالیت کرد. به نوشته خبرگزاری‌ها، او پس از بازگشت به تهران، به‌عنوان رئیس اداره امور سیاسی چندجانبه و پس از آن مدیرکل امور سیاسی بین‌المللی که عمدتا شامل مسائل خلع سلاح است، مشغول به کار شد و از سال ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۱، به‌عنوان سفیر و معاون نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد در ژنو خدمت کرده است. بعیدی‌نژاد در دولت یازدهم به‌عنوان مدیرکل امور سیاسی و امنیت بین‌المللی وزارت خارجه منصوب شد و به‌عنوان یکی از اعضای تیم جدید مذاکرات هسته‌ای ایران و رئیس هیأت کارشناسی مذاکرات برنامه اقدام مشترک ژنو و همچنین مذاکرات برجام فعالیت کرده است. او را می‌توان یکی از افراد تأثیرگذار در مذاکرات هسته‌ای نامید، چراکه نهایی‌کردن متن توافق و به‌اصطلاح چکش‌کاری آن از سوی ایران در توافق جامع را او برعهده داشت. او همچنین نقش مهمی در رسیدن به توافق موقت ژنو داشته است.

سوابق هاپتون

«نیکلاس هاپتون» که از سوی کشورش به بالاترین مقام در روابط دیپلماتیک بین ایران و انگلیس رسیده، تهران برایش غریبه نیست و به عبارت بهتر ایران برایش غریبه نیست. او در صفحه توییتر خود عکس‌های خودش در ایران را منتشر کرده؛ از جمله کاشت درخت به‌همراه همسرش در روز طبیعت و سفر به اصفهان. او پیش از اعزام به مأموریت در تهران در سال ۱۳۹۴، در قطر و یمن به‌عنوان سفیر مشغول فعالیت بوده است. «هاپتون» همچنین در دولت انگلیس عهده‌دار سمت‌هایی در ارتباط با امور امنیت ملی بوده است.

علوی‌تبار:

مخالفان، از تثبیت رویه برجام در داخل نگران‌اند

علیرضا علوی‌تبار در گفت‌وگوی مفصلی که با خبرگزاری ایرنا داشته، درباره موضوعات مختلفی از جمله برجام و علت مخالفت با آن، انتخابات ریاست‌جمهوری آینده و تحرکات اصلاح‌طلبان در این انتخابات صحبت کرده است که اهم آن در پی می‌آید:

● اشخاصی که با برجام مخالف‌اند می‌دانند موفقیت برجام می‌تواند به تثبیت یک رویه و روش در کشور منجر شود و آن حل‌کردن مسائل از طریق واقع‌بینی، گفت‌وگو، صبر، استدلال‌کردن و دست‌برداشتن از تهدید مداوم است. کسانی که با برجام مخالف‌اند متوجه این داستان شده‌اند.

● آنها می‌دانند اگر قرار باشد با خارجی‌ها گفت‌وگو کنید و وارد معاملات برد- برد شوید، طبیعتا هیچ منطقی ندارد که با داخلی‌ها وارد کاری مشابه نشوید؛ بنابراین از تثبیت این رویه نگران‌اند. طبیعتا واردشدن در این گفت‌وگو، باعث کم‌رنگ‌شدن شعارهایی می‌شود که خیال‌پردازانه است و ربطی به واقعیت ندارد. آنها بیش از آنکه با خود برجام مخالف باشند، با تثبیت رویه برجامی و تثبیت نیروهایی که بتوانند این قبیل اقدامات را انجام دهند، مخالف‌اند.

● خروج از رکود ایران اگرچه در ظاهر منفعت عمومی را تأمین می‌کند؛ اما ممکن است منافع عده‌ای را به خطر بیندازد، نباید از تأثیر این منافع بر شکل‌گیری مخالفت‌ها غافل شویم.

● پذیرش به‌هم‌خوردن حاکمیت یکدست، نتیجه احساس بحران بود. با کاهش احساس بحران، دوباره عده‌ای ترغیب به برقراری مجدد حاکمیت یکدست و دردست‌گرفتن تمام امکانات کشور شده‌اند. چنانچه چنین نیرویی دوباره قوه مجریه را در دست بگیرد و حاکمیت یکدست شود، دوباره بحران‌ها و تنش‌های ایران با دیگر کشورها باز می‌گردد؛ یا اینکه اگر این نیرو دوباره مدیریت اقتصادی کشور را در دست بگیرد، بحران‌های شدید اقتصادی بار دیگر برخواهند گشت.

● به نظر من، جامعه این کشش و طاقت را ندارد که یک بار دیگر آنچه را که تجربه کرده است، بیازماید.

● باید توجه داشت قبل از سال ۸۴، نیرویی در داخل وجود داشت که در عرصه اداره کشور آزمون عملی پس نداده بود و دائما در گوشه گود نشسته و انتقاد کرده بود؛ اما بعد از آنکه هشت سال به صورت یکپارچه قدرت را در دست گرفت، آزمون تاریخی مهمی را پشت سر گذاشت و ادعاهایش در معرض امتحان و قضاوت عمومی قرار گرفت. هیچ نیرویی در عرصه سیاسی کشور نداریم که امتحان پس نداده باشد.

● گروهی که نمی‌خواهد اصلاح‌طلبان دوباره سهمی در قدرت داشته باشند، از حاکمیت یکدست حمایت می‌کنند. تعبیرشان هم این است که ما اصلاح‌طلبان را با دادن هزینه زیاد بیرون انداخته‌ایم، چرا باید دوباره اجازه بدهیم آنها به قدرت برگردند؟!

● اصلاح‌طلبان در انتخابات اخیر به طرف مقابل نشان دادند که حریفی قدرتمند هستند و باید آن را جدی گرفت، در ثانی در عمل گفتند که نیامده‌اند تا بازی را به هم بزنند؛ بلکه می‌خواهند در چارچوب قواعد رقابت، بازی کنند. این پیام خوبی بود که امیدوارم منتقل شده و دیر یا زود اثر خود را در عرصه سیاسی ایران بگذارد.

● اینکه کلیپ یک چهره اصلاح‌طلب این همه بیننده دارد، دلیلی برای آن است که واقعیتی انکارناپذیر در جامعه وجود دارد که باید با آن کنار آمد.

عکس: ربوفه رستمی، شرق

● جنبش اجتماعی هم پشت سر این دولت نیست. رابطه ارگانیک و اندام‌واری را هم با روشنفکران ندارد که برایش ایده و نظریه‌پردازی کنند و از آن دفاع کنند.

● انسجام‌نداشتن پشتوانه نظری هم در دولت محسوس است. در زمینه اقدامات وزارت ارشاد بدترین نوع دفاع صورت می‌گیرد. معلوم است آنهایی که در وزارت ارشاد هستند، ایده‌ای برای سیاست‌گذاری فرهنگی ندارند؛ به‌همین‌دلیل است که درباره خیلی چیزها کوتاه می‌آیند یا سکوت می‌کنند و حرفی برای گفتن ندارند.

● در دوره آقای خاتمی افرادی بودند که خود را موظف به نظریه‌پردازی برای اقدامات دولت می‌دانستند؛ اما دولت یازدهم هیچ اقدامی دراین‌باره انجام نداد.

● این دولت دورنمایی هم برای ایجاد پشتوانه تئوریک ایجاد نکرده است؛ ازاین‌رو می‌بینیم حتی وقتی وزرا برای دفاع از خود می‌آیند، نمی‌توانند دفاع پررنگی از خود کنند.

● بسیاری از صحبت‌های آقای روحانی ظرفیت و اهمیت زیادی برای تبدیل‌شدن به یک گفتمان عمومی را داشت و دارد؛ مثل جمله‌ای که ایشان خطاب به نیروی انتظامی گفت که شما موظف به اجرای قانون هستید، نه شرع؛ اما این جرقه‌ای بود که به‌سرعت خاموش شد. این حرف ایشان باید تبدیل به گفتمان عمومی می‌شد تا ما احکام شریعت را از قوانین موضوعه و روش تحقق‌بخشیدن به اجرای هرکدام را تفکیک و وظیفه دولت درباره این دو را تعریف کنیم؛ یا صحبت‌هایی که راجع به استفاده‌نکردن از زور برای مؤمن‌کردن مردم بیان کرد؛ یا اقدامی که ایشان برای جلوگیری از آزمون‌گرفتن از کارکنان دولت به نفع زنان انجام داد؛ همین‌طور حرف‌های ایشان درباره سیاست خارجی و اینکه ما باید با دیگر کشورها وارد بازی برد- برد شویم. متأسفانه به نظر می‌رسد تیم آقای روحانی توانایی لازم برای این گفتمان‌سازی‌ها را ندارد و این نقیصه دست دولت را در خیلی مواقع می‌بندد.

● ائتلاف برجامی‌ها می‌توانند تا مدتی کشور را اداره و از بحران‌ها گذر دهند و فعلا به ترکیب دیگری نمی‌شود فکر کرد. بهترین لیدر و نماد این ترکیب هم خود آقای روحانی می‌تواند باشد؛ چراکه هم گرایش به راست مدرن دارد، هم راست سنتی و در هر دو هم عمل‌گراست و در هیچ‌کدام هم اصولگرا نیست.

● ما درست مثل وضعیت بعد از حمله مغول‌ها هستیم. کشور را باید دوباره بازسازی کنیم. اجساد را خاک کنیم و شهرها را دوباره بسازیم و قنات‌ها را برقرار و مجددا مزرعه‌ها را راه بیندازیم، بعد می‌توان به چیزهای دیگر فکر کرد.

● یک اقدام مهم باید برداشتن رانت و حمایت از پشت نیروهای خودسر باشد. اینها خودسر که نیستند. کسی نباید از اینها حمایت کند. بگذارید خودجوش بیایند تظاهرات کنند؛ اما اگر کسانی آمدند و به طور هم‌زمان در یک ساعت معین در دو شهر علیه یک نهاد، به یک سفارتخانه حمله کردند، چقدرش خودجوش است؟ این شوخی است، خودشان هم می‌دانند. باید در درون توافق شود تا این گروه خواسته‌های خود را از مجاری عادی و قانونی تعقیب کنند.

● به نظرم در دوره آقای احمدی‌نژاد بسیاری از آنها (اصولگرایان بیرون‌مانده از قدرت) متوجه شدند چطور به‌راحتی می‌تواند آبروی آنها ریخته شود؛ اما بخشی از آنها هنوز این را هم متوجه نشده‌اند.

● روشنفکر دینی بعد از انقلاب کمتر به مسئله برابری پرداخته است. وقایعی که در سالیان اخیر اتفاق افتاده، نشان می‌دهد مسئله نابرابری در کشور ما خیلی جدی است و جلوی تحقق دموکراسی را هم می‌گیرد.

● عده‌ای در جامعه هستند که هیچ بلندگویی ندارند؛ چون نابرابری خیلی زیاد است و داشتن بلندگو احتیاج به یک‌سری امکانات دارد. این بخش‌ها کاملا محروم هستند و صدایشان هیچ‌جا شنیده نمی‌شود. اخلاقی‌ترین کار برای یک روشنفکر باید این باشد که صدای آنهایی باشد که بلندگویی ندارند.

● احمدی‌نژاد حاصل انتقاد نکردن بود. اگر کارهای ایشان در شهرداری نقد شده بود، هیچ‌وقت رئیس‌جمهوری نمی‌شد؛ چون سیاست بر تضعیف اصلاح‌طلبان در همه نهادها بود، بعد هم امکانات عمومی پشت سر ایشان برای انتخابات سال ۸۴ قرار گرفت. الان شرایط اصلا این‌طور نیست. اگر روند همین‌طور پیش رود باز هم مردم به عقلانیت رأی می‌دهند.

● ایران استعداد پوپولیسم را دارد. به دلیل نابرابری‌ای که در آن وجود دارد و به دلیل اینکه علوم اجتماعی جایگاه جدی در ذهن مردم باز نکرده است. مردم تحلیل‌های یک اقتصاددان درباره نرخ سود بانکی را نمی‌فهمند؛ ولی حرف‌های عوامانه را درباره آن خوب می‌فهمند. علتش این است که علوم اجتماعی در سال‌های اخیر کاملا تحقیر و تضعیف شد.

● به جای اینکه بیاییم سر موارد اختلاف گفت‌وگو کنیم، باید بیاییم از موارد توافق شروع کنیم. موارد توافق چیست؟ همه ما نگران امنیت ملی ایران هستیم. آیا رفع برخی اتفاقاتی که افتاده، به نفع امنیت ملی ما است یا به ضرر آن؟ اگر مثلا حصر برداشته شود، به نفع امنیت ملی است یا به ضرر آن؟ اگر ما همدیگر را ببخشیم، به نفع امنیت ملی است یا به ضرر آن؟ اگر احزاب قدرتمند ما دوباره اجازه فعالیت یابند، ما در مقابل خارجی‌ها قوی‌تر می‌شویم یا ضعیف‌تر؟

خبر

عضو کمیسیون حقوقی و قضائی:

مطهری حق دارد در همه امور مملکت اظهار نظر کند

● **ایلنا:** عضو کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس دهم، درباره تلاش گروه اندکی از اصولگرایان برای سلب صلاحیت علی مطهری از حضور در جایگاه نایب‌رئیسی مجلس، گفت: «فارغ از اینکه انتشار این فایل صوتی در این برهه زمانی خاص، کار قابل دفاعی نبود، آقای مطهری به عنوان یک نماینده حق دارد در همه امور مملکت اظهار نظر کند و پست نایب‌رئیسی نمی‌تواند در این حق و وظیفه خللی وارد کند». فتحی گفت: «هنگامی که یکی از نمایندگان درباره موضوعی تذکر می‌دهد هم در گزارش مشروح مذاکرات مجلس برای ثبت در اسناد تاریخی، ضبط می‌شود و علاوه بر اینکه این مذاکرات به صورت پخش زنده از رادیوی سراسری پخش می‌شود، تمامی خبرگزاری‌ها، روزنامه‌ها، نشریه‌ها و جراید نیز این اخبار را بازتاب می‌دهند؛ بنابراین دلیل ندارد که نفر دوم و سوم بار دیگر به همان مسئله بپردازد و همان تذکر را تکرار کند؛ این رویکرد نشان می‌دهد که دوستان به دنبال یک برخورد و مواجهه جناحی هستند». او درباره اینکه آیا بنا بر آیین‌نامه می‌توان نایب‌رئیسی نماینده‌ای که با بیش از ۱۴۰ رأی به دست آمده را با ۳۰ رأی از او گرفت، گفت: «قطعا روند قانونی به این ترتیب نیست و اساسا قرار هم نیست که این اقدام‌ها عملا به نتیجه‌ای برسد، بلکه صرفا یک موضع‌گیری سیاسی بوده و قطعا به نتیجه نمی‌رسد و ان‌شاءالله نمایندگان امضاهای خود را بازپس می‌گیرند».

ادامه از صفحه ۷

شاید احمدی‌نژاد الگوی هاشمی را در سال ۹۲ در ذهن داشته باشد

من شخصا معتقد بودم، مجموعه کسانی که با فهرست امید وارد مجلس شدند، کسانی نبودند که بین انتخاب آقای لاریجانی و آقای عارف، آقای عارف را انتخاب کنند و دیدیم که این کار را هم نکردند. بنابراین من معتقد نیستم تحلیل‌ها و مصاحبه‌های افراد نقش تعیین‌کننده‌ای در این مسئله داشت. درکل، خط فراکسیون‌های ما آن‌قدر پررنگ نیست که تعیین‌کننده باشد، به‌ویژه که اکنون سه فراکسیون شکل گرفته است و شاید این محصول کم‌کاری مجموعه لیست امید بوده، چون آنها می‌توانستند طوری عمل کنند که ما در مجلس بیشتر از دو فراکسیون نداشته باشیم. به‌هرحال این‌طور صلاح دیدند و امیدوارم در عملکردهای آینده، به نفع مجلس و کشور فعالیت کنند. عده‌ای هستند که در فهرست امید نبودند؛ اما در مجلس دهم رأی آوردند و حالا عضو فراکسیون سوم شدند. درکل خیلی قشنگ نیست بعد از برگزاری یک انتخابات موفق، برای برخی خط‌ونشان بکشیم و بگوییم شما به خاطر ما بودید یا ما به خاطر شما بودیم. تحلیل‌های این‌چنینی اصلا جالب نیست و اینها به درد رقبای سیاسی‌ای می‌خورد که می‌خواهند بین گروه‌هایی که یک جبهه واحد تشکیل داده‌اند، اختلاف جدی ایجاد کنند؛ بنابراین به نظر من جبهه حامیان دولت باید پیوندشان را در این مجلس تقویت کنند حتی در قالب دو فراکسیون وحدت جبهه‌ای خود را حفظ کنند؛ نباید دنبال این حرف‌ها بود که اگر در لیست ما نبودی رأی نمی‌آوردی. درباره اینکه آیا واقعا این حصر به نفع کشور، مردم، انقلاب و خود این افراد هست یا خیر، اختلاف نظراتی وجود دارد. قطعا عده‌ای از مردم و مجموعه سیاسی کشور معتقدند این شرایط و فضا نه‌تنها به‌نفع کشور، نظام و انقلاب نیست، بلکه حتی نتیجه عکس می‌دهد اما برخی معتقدند این حصر برای اداره و آرامش کشور و برای حفظ جان و امنیت محصورین ایجاد شده است. من معتقدم حتی اگر مخالف آقایان موسوی، کروبی و خاتمی باشیم نباید این محدودیت‌ها را ایجاد کنیم چون نمی‌توانیم با حصر و ایجاد محدودیت به نتیجه دلخواه برسیم، به قولی «الانسان حریصٌ علی ما منع» و جایگاه این افراد هیچ‌وقت با چنین برخوردهایی تنزل پیدا نمی‌کند. باید پرسید عبور از روحانی به سمت چه کسی؟ وقتی کسی وجود ندارد این عبور معنا پیدا نمی‌کند. بهتر است این طور بگوییم که اگر ما مصالح مردم، کشور و انقلاب را می‌خواهیم باید به دنبال گزینه اصلح باشیم. اگر درحال‌حاضر گزینه‌ای بهتر از آقای روحانی وجود دارد حتما باید معرفی کنیم؛ اما اگر مجموعه شرایط کشور چنین چیزی را در چنته ندارد، عبور معنا نمی‌دهد. من فکر می‌کنم تاکنون هیچ اصلاح‌طلبی این بحث را مطرح نکرده که باید از روحانی عبور کنیم چون طرف دیگر، فردی وجود ندارد. ما قطعا هجمه‌های واردشده به آقای هاشمی را قبول نداریم و افکار و برنامه‌های ایشان را برای کشور مفید می‌دانیم. این موضوع به شخص آقای هاشمی یا خانواده ایشان برنمی‌گردد بلکه به افکار ایشان مربوط می‌شود. حزب کارگزاران در مجموع اعتقاد دارد افکار آقای هاشمی برای سازندگی و توسعه کشور تاکنون مفید بوده و درحال‌حاضر نیز مفید است. ما بسیاری از مسائلی را که در رابطه با فرزندان ایشان مطرح می‌شود نمی‌دانیم و قبول نداریم و به این کاری نداریم که ایشان پنج فرزند دارد، عمامه سفید دارد یا این‌طور لباس می‌پوشد، بلکه مسئله ما با آقای هاشمی مسئله افکار، شخصیت و سوابق ایشان است.